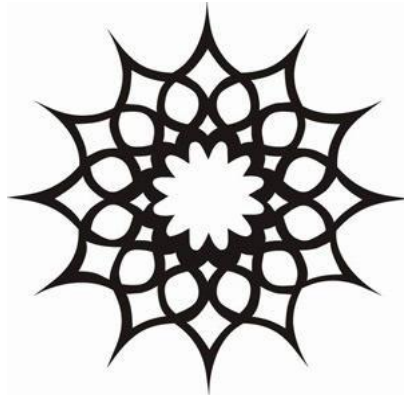


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی

گروه تاریخ علم

رساله دکتری رشته تاریخ علم

بررسی دانش پزشکی در گذار از طب سنتی به پزشکی نوین در ایران دوره
قاجاریه با تاکید بر نقش دارالفنون (با ارزیابی تطبیقی سه کتاب ضیاء العیون،
مطلع الطب ناصری و رساله طبیبی با کتاب هدایه المتعلمین)

استاد راهنما:

آقای دکتر عبدالرسول عمادی

استادان مشاور:

آقای دکتر مهدی معین زاده

آقای دکتر علیرضا منجمی

پژوهشگر:

آیدین منفرد حامد

تابستان ۱۳۹۷

سپاسگزاری:

در اینجا لازم است از زحمات جناب آقای دکتر عمادی استاد راهنمای محترم و جناب آقای دکتر معین زاده و جناب آقای دکتر استاد منجمی، اساتید مشاور محترم که در امر این پژوهش به کرات از راهنمایی های این بزرگوران استفاده گردید، تشکر و قدردانی به عمل آید.

تقدیم به روح بزرگ پدر و مادرم

چکیده

پزشکی به سبک نوین و علمی گرچه با تاسیس مدرسه دارالفنون تجلی و نمودی بیشتر پیدا کرد، اما شاید بتوان ریشه های این پیشرفت را در قبل از آن و منوط به ورود اندیشه های تجدد گرایانه غربی در ایران دانست. حضور پزشکان خارجی در دربار پادشاهان قاجار، ورود مسیونرهای پزشکی خارجی در بسیاری از شهرهای مملکت، تالیف کتب طبی برخی پزشکان خارجی و ترجمه آن ها، اعزام محصلین به فرنگ برای تحصیل علوم مختلف و از جمله پزشکی از عوامل موثر در حرکت به سوی طب نوین می باشد. با تاسیس مدرسه دارالفنون و استخدام معلمین خارجی، پیشرفت محسوسی در علوم پزشکی در ایران ایجاد شد. تاسیس چندین بیمارستان، ایجاد انستیتو پاستور، تشکیل مجلس حفظ الصحة، صدور گواهینامه پزشکی و دادن جواز طبابت به فارغ التحصیلان مدرسه طب دارالفنون، آگاهی های مختلفی که در زمینه های پزشکی و بهداشتی به مردم داده شد، و بسیاری عوامل دیگر را نیز باید از نتایج تاسیس دارالفنون دانست. البته باید اذعان داشت که در این دوره، طب سنتی نیز کماکان در کنار طب نوین به حیات خود ادامه می داد.

کلید واژه ها:

طب سنتی، طب نوین، قاجار، دارالفنون

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| فصل اول | ل |
| پیشگفتار | ل |
| بیان مساله | ن |
| اهداف پژوهش | س |
| سوالات پژوهش | س |
| فرضیه های پژوهش | س |
| پیشینه پژوهش | ع |
| فصل دوم: اوضاع پزشکی، بهداشتی و درمانی ایران از ابتدای قاجار تا سال ۱۲۹۳ق.م/۱۸۷۶م. (حدود ۲۵ سال خورشیدی پس از تاسیس دارالفنون) | ۱ |
| ۱-۲. مروری مختصر بر بیماری های مسری | ۱ |
| ۲-۲. وضعیت بهداشت و امکانات | ۸ |
| ۱-۲-۲. بهداشت فردی | ۸ |
| ۲-۲-۲. بهداشت عمومی | ۹ |
| ۳-۲-۲. بهداشت شهری | ۱۲ |
| ۳-۲. خرافات رایج در بین مردم | ۱۳ |
| ۱-۳-۲. درویشان و رمالان | ۱۳ |
| ۲-۳-۲. خرافات رایج در درمان بیماری ها | ۱۵ |
| ۳-۳-۲. خرافات و محیط زندگی | ۱۷ |
| ۴-۳-۲. خرافات و زنان | ۱۸ |
| ۴-۲. طب سنتی | ۲۰ |
| ۱-۴-۲. حکیمان | ۲۰ |
| ۲-۴-۲. سلمانی ها و عطاران | ۲۳ |
| ۳-۴-۲. جراحان | ۲۴ |
| ۴-۴-۲. خود درمانی | ۲۶ |
| ۵-۴-۲. تشخیص بیماری در طب سنتی از طریق نبض | ۲۶ |
| ۶-۴-۲. زنان و طب سنتی | ۲۷ |
| ۷-۴-۲. درمان وبا | ۲۸ |

| | |
|-----|--|
| ۲۹ | ۲-۴-۸- زالو انداختن، حجامت، تنقیه و رگ زدن |
| ۳۲ | ۲-۵. پیشینه اعزام دانشجو به خارج (قبل از تاسیس دارالفنون) |
| ۳۶ | ۲-۶. تاریخچه ورود پزشکان اروپایی به کشور (قبل از تاسیس دارالفنون) |
| ۴۰ | فصل سوم: دارالفنون |
| ۴۰ | ۳-۱. مقدمات تاسیس دارالفنون |
| ۵۲ | ۳-۲. اوضاع داخلی دارالفنون |
| ۵۷ | ۳-۳. آموزش طب در دارالفنون |
| ۶۱ | ۳-۴. اوضاع مالی دارالفنون |
| ۶۳ | ۳-۵. مخالفین پزشکی نوین و مکاتب اربعه |
| ۶۷ | فصل چهارم: تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم دارالفنون بر برخی پیشرفت های صورت پذیرفته |
| ۶۸ | ۴-۱. تشکیل مجلس حفظ الصحه |
| ۷۲ | ۴-۲. دادن آگاهی به مردم و روشن ساختن افکار عمومی |
| ۸۳ | ۴-۳. ایجاد قرنطینه ها و موانع موجود |
| ۹۱ | ۴-۴. حضور پزشکان خارجی در کشور |
| ۹۱ | ۴-۴-۱. دکتر پولاک |
| ۹۴ | ۴-۴-۲. دکتر فوکتی |
| ۹۵ | ۴-۴-۳. دکتر شلیمر |
| ۹۶ | ۴-۴-۴. دکتر تولوزان |
| ۹۸ | ۴-۴-۵. دکتر آلبو |
| ۱۰۰ | ۴-۴-۶. دکتر شنیدر |
| ۱۰۰ | ۴-۴-۷. دکتر زان باستین فووریه |
| ۱۰۱ | ۴-۴-۸. سایرین |
| ۱۰۵ | ۴-۵. تاسیس بیمارستان ها در دوره قاجار |
| ۱۱۶ | ۴-۶. داروسازی نوین در ایران |
| ۱۲۴ | ۴-۷. وضع قانون طبابت |
| ۱۳۴ | ۴-۸. انستیتو پاستور ایران |
| ۱۳۹ | ۴-۹-۱. نخستین فرنگ رفتگان دارالفنون (عصر ناصری): |
| ۱۴۱ | ۴-۹-۲. دومین محصلین اعزامی به فرنگ (در عصر ناصری) |
| ۱۴۴ | ۴-۹-۳. محصلین طبی که با هزینه شخصی به فرنگ رفتند |

- ۱۴۸ ۴-۹-۴. اعزام محصل به اروپا پس از مشروطیت
- ۱۴۹ ۴-۱۰-۱. آشنایی با برخی پزشکان پرورش یافته مکتب دارالفنون
- ۱۵۵ فصل پنجم: اوضاع پزشکی، بهداشتی و درمانی ایران از سال ۱۲۹۳ ه.ق/۱۸۷۶ م. تا پایان عصر قاجار
- ۱۵۵ ۵-۱-۱. مروری مختصر بر بیماری های مسری
- ۱۶۱ ۵-۲. اوضاع بهداشتی- درمانی
- ۱۷۱ ۵-۳. خرافات رایج در بین مردم
- ۱۷۴ ۵-۴. ذکر مختصر بعضی از اصلاحات صورت پذیرفته و ارائه برخی اطلاعات آماری پس از تاسیس دارالفنون
- ۱۷۹ فصل ششم: بررسی و مقایسه کتاب هدایه المتعلمین فی الطب با برخی کتب پزشکی قرن چهاردهم هجری قمری
- ۷۹ ۶-۱-۱. حمیات در کتاب هدایه المتعلمین
- ۱۸۱ ۶-۱-۱. فی حمی یوم
- ۱۸۴ ۶-۱-۲. فی حمی الدق
- ۱۸۶ ۶-۱-۳. فی العفنیه
- ۱۸۷ ۶-۱-۴. فی حمی سوناخوس
- ۱۸۹ ۶-۱-۵. فی علامات النضج
- ۱۸۹ ۶-۱-۶. فی حمی المحرقه
- ۱۹۰ ۶-۱-۷. فی حمی الغب
- ۱۹۱ ۶-۱-۸. فی البجران
- ۱۹۱ ۶-۱-۹. فی علامات الجیده و الردیه
- ۱۹۲ ۶-۱-۱۰. فی الجدری و الحصبه
- ۱۹۲ ۶-۱-۱۱. فی حمی البلغمیه
- ۱۹۳ ۶-۱-۱۲. فی حمی الربع
- ۱۹۴ ۶-۱-۱۳. فی حمی ابیوالوس و لیفوریا
- ۱۹۴ ۶-۱-۱۴. در مورد همه گیری ها (فی حمیات البوائیه):
- ۱۹۵ ۶-۱-۱۵. فی حمیات العشیبه
- ۱۹۵ ۶-۲. حمیات در کتاب مطلع الطب ناصری
- ۱۹۶ حمیات متصله
- ۱۹۸ تیفوئید
- ۲۰۲ حمیات بثوری
- ۲۰۳ سرخجه

| | |
|-----|---|
| ۲۰۶ | مخملک |
| ۲۰۷ | آبله |
| ۲۰۹ | آبله مرغان (حمیقا) |
| ۲۱۰ | حمیات نائبه |
| ۲۱۳ | حمیات رمینانت |
| ۲۱۳ | ۳-۶. مقایسه دو کتاب هدایه المتعلمین فی الطب و مطلع الطب ناصری در بخش حمیات |
| ۲۱۶ | ۴-۶. مبحث معده در کتاب هدایه المتعلمین |
| ۲۱۶ | درباره هیئت مری و معده و کیفیت و شکل آنها |
| ۲۱۷ | درباره علل معده و علاجش (باب علل المعده): |
| ۲۱۹ | درباره اورام المعده (فی اورام المعده): |
| ۲۲۱ | درباره اعراض یقع فی المعده (فی اعراض یقع فی المعده): |
| ۲۲۱ | درباره سوء هضم و درمان آن (فی سوء الهضم) |
| ۲۲۳ | درباره ذهاب شهوه غذا (فی ذهاب شهوه الطعام): |
| ۲۲۳ | درباره دردهای معده (فی اوجاع المعده) |
| ۲۲۴ | ۵-۶. مبحث معده در کتاب چاپ سنگی ترجمه رئیس الاطباء |
| ۲۲۴ | امراض معده |
| ۲۴۰ | ۶-۶. مبحث معده در کتاب نسخه خطی رساله طبی |
| ۲۴۰ | فصل فی اوجاع معده |
| ۲۴۱ | فصل فی ورم المعده |
| ۲۴۲ | فصل فی نفخ المعده |
| ۲۴۲ | ۷-۶. مقایسه کتاب هدایه المتعلمین فی الطب و دو رساله طبی متاخر در مبحث بیماری های معده |
| ۲۴۴ | ۸-۶. چشم پزشکی در کتاب هدایه المتعلمین |
| ۲۴۴ | باب ۷۷: درباره بیماریهای چشم و درمان آن |
| ۲۴۶ | باب ۷۹: درباره ضعیفی دیدار چشم و درمان آن (فی السلاق) |
| ۲۴۶ | باب ۸۰: درباره بیماری طرفه که در چشم آید و درمان آن |
| ۲۴۷ | باب ۸۱: درباره ضعیفی دیدار چشم و درمان آن |
| ۲۴۷ | باب ۸۲: درباره آب که به چشم آید (باب الماء النازل فی العینین) |
| ۲۴۸ | باب ۸۳: درباره غشا یعنی شبکوری و درمان آن (فی العشا) |
| ۲۴۸ | باب ۸۴: درباره انتشار العین و درمان آن (فی الانتشار) |

| | |
|-----|--|
| ۲۴۹ | باب ۸۵: درباره کر چشم و درمان آن (فی الجرب فی العین) |
| ۲۴۹ | ۹-۶. چشم پزشکی در رساله کحالی |
| ۲۴۹ | مقدمه در امتحان استعمال از حالت چشم |
| ۲۴۹ | فصل اول در امتحان طبیعی (فیزیکی) چشم |
| ۲۵۱ | فصل دوم در امتحان عملی چشم |
| ۲۵۲ | باب اول در امراض ملتحمه |
| ۲۵۷ | باب دوم در امراض قرنیه |
| ۲۶۲ | باب سیم- در امراض صلبیه- اورام صلبیه- ورم قرب صلبیه |
| ۲۶۲ | باب چهارم- در امراض عنبیه |
| ۲۶۴ | باب پنجم در امراض مشیمیه |
| ۲۶۷ | باب ششم در امراض شبکیه |
| ۲۶۹ | باب هفتم در امراض عصب بصری |
| ۲۷۰ | باب هشتم در امراض جلدیه |
| ۲۷۲ | باب نهم در امراض رطوبت زجاجی |
| ۲۷۲ | باب دهم در امراض مقله |
| ۲۷۶ | باب یازدهم در سوء شکل‌های چشم |
| ۲۷۶ | باب دوازدهم در حالات غیر طبیعیه انکسار نور |
| ۲۷۸ | باب سیزدهم در بیان بعضی اختلالات عملیه چشم |
| ۲۸۲ | باب چهاردهم در امراض حاجبین |
| ۲۸۲ | باب پانزدهم در امراض جفنین |
| ۲۸۴ | باب شانزدهم در امراض غده و نقاط دمعیه |
| ۲۸۴ | باب هفدهم در امراض کیسه دمعیه و مجرای انفی |
| ۲۸۵ | باب هجدهم در امراض حجاج |
| ۲۸۵ | ۶-۱۰. مقایسه دو کتاب هدایه المتعلمین فی الطب و کحالی در مبحث چشم پزشکی |
| ۲۸۷ | نتیجه گیری |
| ۲۹۴ | کتابنامه |
| ۲۹۴ | منابع فارسی |
| ۳۰۵ | مجلات، روزنامه ها و اسناد |
| ۳۰۶ | منابع خارجی |

فصل اول

پیشگفتار

پژوهش حاضر با عنوان "بررسی دانش پزشکی در گذار از طب سنتی به پزشکی نوین در ایران دوره قاجاریه با تاکید بر نقش کتاب هدایه المتعلمین"، تحقیقی برای روشن شدن زوایای تاریک طب سنتی در دوره قاجار و بررسی محوریت دارالفنون در ورود پزشکی نوین به ایران و تحولات دانش پزشکی پس از تاسیس دارالفنون در کشور، می‌باشد. این پژوهش قصد دارد با بررسی درمان های سنتی در سطح جامعه برای درمان بیماری ها در دوره قاجار، زمینه ای را فراهم سازد تا پژوهشگران تاریخ عصر جدید با مطالعه بر روی درمان های سنتی رایج در سطح جامعه، بتوانند مقایسه ای جامع میان عصر حاضر و دوران قاجار انجام دهند. این تحقیق با توجه به اینکه مطالعه جامعه مورد نظر ما، ایران عصر قاجاری می‌باشد و عملاً مطالعه میدانی امکان پذیر نمی باشد؛ لذا بطور کامل از مطالعه کتابخانه ای بهره برده است و حتی المقدور سعی شده که از منابع دسته اول آن دوران در این تحقیق استفاده شود. بنابراین شاید دشوارترین قسمت کار، خواندن برخی اسناد، نسخ خطی و روزنامه های دوران قاجار بود که حتی المقدور سعی بر این بود که به درستی انجام شود.

واژه فارسی "پزشک" از پارسی میانه *bizešk* (bcšk) است. در اوستایی به صورت *baēšaza* آمده است که با سانسکریت *bhiṣaj* (भिषज) هم‌ریشه است، که همگی به معنی "پزشک" هستند. این واژه در فارسی به صورت "بجشک"، "بچشک"، و "بزشک" هم آمده است. پزشکی یک دانش کاربردی است، هدف آن حفظ و ارتقاء تندرستی، درمان بیماری‌ها و بازتوانی آسیب‌دیدگان است. این منظور با شناخت بیماریها، تشخیص، درمان و جلوگیری از بروز آنها به انجام می‌رسد. دانش پزشکی بر روی طیف وسیعی از رشته‌ها شامل فیزیک و زیست‌شناسی تا علوم اجتماعی، مهندسی و علوم انسانی بنا شده است. اما در روزگاران کهن، این دانش برای مردم ناشناخته بود و بیماری‌ها را ناشی از عوامل ماوراء طبیعی می‌دانستند، لذا برای درمان آنها به سحر و جادو دست می‌زدند. همگام با پیشرفت سایر علوم، بنیان های علم پزشکی نیز پایه ریزی شد. پیدایش مداوم دانسته‌ها و اطلاعات به همراه اکتشافات متعدد، زمینه را برای خودنمایی علم پزشکی مهیا نمود. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، طب سنتی مجموعه‌ای است از دانسته‌ها، مهارت‌ها و اعمال که بر پایه نظریه‌ها، باورها و تجربه‌های بومی فرهنگ‌های مختلف است، خواه که قابل شرح باشد یا نباشد، که در بهداشت و نیز پیشگیری، تشخیص، بهبود و مداوای بیماری‌های جسمی و ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنا به تعریف فوق، پیدایش پزشکی را به دوران ما قبل تاریخ نسبت می‌دهند؛ دورانی پیش از اختراع خط.

در دوران باستان، یونانیان از اقوامی بودند که در ایجاد و پیشرفت این دانش نقش به سزایی داشتند. دانشمندانی از جمله بقراط، ارسطو و جالینوس از مروجان اصلی این علم در یونان باستان بودند. روش درمان مغرب زمین در کل "روش بقراطی" نام دارد. از دیگر روش های مهم درمانگری در جهان می توان مکتب آیورودی هندی و پزشکی سنتی چینی، از جمله طب سوزنی را نام برد. پزشکی در مصر باستان نیز وجود داشت، اطلاعات پزشکی در پاپیروس ادوین اسمیت یافت شده که متعلق به ۳۰۰۰ پیش از میلاد است. اولین جراحی احتمالاً در ۲۷۵۰ پیش از میلاد در مصر انجام شده است. در پاپیروس ژاینکولوژی کاهون اطلاعاتی در مورد درمان بیماری های زنان و باروری وجود دارد. اولین پزشک شناخته شده هم احتمالاً هسی-رع رئیس پزشکان و دندان پزشکان پادشاه جوزر در قرن ۲۷ پیش از میلاد است. در کنار مصری ها، بابلی ها هم به تشخیص، معاینه و درمان بیماری ها می پرداختند. کتاب راهنمای تشخیصی آن ها روش های درمان و سبب شناسی را معرفی کرد.

اما علم و دانش پزشکی در ایران زمین به دوران پادشاهان اساطیری باز می گردد. بر اساس داستانهای کهن ایرانی، آغاز و معرفی طب به "جمشید" پادشاه اساطیری نسبت داده شده و او نخستین کسی است که به مردم آموخت که هنگام بیماری از دارو استفاده کنند. آریایی ها نیز بعد از ورود به سرزمین ایران، با بهره گیری از پزشکی پیشرفته مصر و بابل که از طریق آشوریان به ایران راه یافته بود، مکتب خاصی را در طب به نام "مغان" ایجاد کردند. (علیجانی، ۱۳۹۱، ص ۵۸-۵۷) در ایران باستان پزشکی سنتی شامل گیاه درمانی، دعا درمانی و جراحی بوده است. با برپایی دانشگاه هایی مانند: گندی شاپور، پزشکی در ایران گسترش یافت. اما با ظهور اسلام و روی کار آمدن بنی امیه، طب و علوم وابسته به آن پیشرفتی حاصل نکرد و این به دلیل جنگ های مداوم و فتوحات آنها بود. اما طب اسلامی از نیمه اول قرن دوم هجری قمری تا اواسط قرن سوم هجری قمری (انقراض بنی امیه و روی کار آمدن عباسیان در بغداد) پیشرفت کرد، به گونه ای که بغداد مرکزیت علمی یافت و از اهمیت گندی شاپور کاسته شد که این امر در سده های سوم و چهارم بیشتر محسوس گردید. (نجم آبادی، ۱۳۵۳، ص ۱۴۵) اما از اوایل قرن سوم تا حمله مغول، دوران جدیدی در طب اسلامی آغاز شد. زیرا در این دوران تالیفات کتب طبی توسط کسانی که اغلب ایرانی بودند، صورت می گرفت. (پیشین، ص ۳۱۰)

بعد از حمله چنگیز به ایران و خرابی هایی که وی در این سرزمین به بار آورد، جانشینان وی در طول حکومت طولانی خود تحت تاثیر فرهنگ و ادب ایران قرار گرفتند و افراد با سواد و دانشمند ایرانی در راس بیشتر امور مهم مملکت گماشته شدند. همین وزیران و مقامات مهم ایرانی (مثل خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل الله) بودند که منشا خدمات فراوان در علوم

مختلف و پزشکی شدند. در مجموع می‌توان گفت در طول دوره مغول و تیموری جز چند مورد، چیزی اضافه نگردید و پیشرفتی نیز حاصل نشد. (سرمدی، ۱۳۷۸، جلد دوم، بخش اول، ص ۳۷) در دوره صفوی، علم طب پیشرفت زیادی نکرد و خرافه پرستی و اعتقاد به ستارگان و نقش آنها در سرنوشت گسترش زیادی یافت به طوری که در هرکاری از جمله طبابت، نظر منجم را جویا می‌شدند. اما با این حال، آن دوران اعصار طلایی داروسازی علمی محسوب می‌شود. حرفه داروسازی رسماً در این دوران از پزشکی مستقل شد. (ارجمند، ۱۳۸۴، ص ۱۹)

در دوره افشاریه و زندیه نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای حاصل نشد. در این دوران نیز هم با رکود طب ایرانی، پزشکان فرنگی همراه هیاتهای تجاری کمپانی هند شرقی و نیز هیاتهای مذهبی مسیحی همچنان به ایران رفت و آمد می‌کردند. (علیجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۹) اما علم طب در دوران قاجار را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود: دوره اول از آغاز سلطنت قاجاریه تا تاسیس دارالفنون که پزشکی در این دوران پیشرفت خاصی نداشت و در واقع ادامه همان طب سنتی ایران می‌باشد و دوره دوم از تاسیس دارالفنون به بعد است که آرام آرام طب نوین جای طب سنتی را در ایران می‌گیرد. هرچند ایرانیان به تدریج، با آمدن پزشکان خارجی به ایران، از دوره صفویه به بعد، کم کم با پزشکی نوین آشنا شدند، اما به عقیده آقای زرین کوب "حاصل این کشف و سود و زبانی که از آن عاید شد، در عهد قاجار ظاهر گشت." (زرین کوب، ۱۳۸۱، ص ۷۱۵)

در واقع می‌توان گفت طب دوره قاجاری پیش از تاسیس دارالفنون نیز تا حدود زیادی مشابه طب سنتی ایران در دوره های پیشین می‌باشد و با وجود ظهور پزشکان نامی در دوران مختلف ایران اسلامی، تفاوت زیادی نمی‌توان میان طب اوایل دوره قاجاری و طب سنتی ایران باستان قائل شد. بنابراین شاید بتوان گفت طب ایران را بتوان در کل به دو دوره از زمان باستان تا پیش از تاسیس دارالفنون و طب پس از پیدایش دارالفنون که کم کم بستر برای ظهور و نفوذ طب مدرن پدیدار می‌شود، تقسیم نمود.

بیان مساله

این تحقیق با محوریت قرار دادن تاسیس دارالفنون در نظر دارد با ارائه مستندات از وضعیت و امکانات بهداشتی-درمانی، روش های درمانی گوناگون، خرافات رایج در سطح جامعه و شیوع بیماری های مسری در کشور، قبل و بعد از تاسیس دارالفنون (۲۵ سال پس از تاسیس آن) را بررسی نماید که آیا بطور کلی اوضاع پزشکی، بهداشتی و درمانی در سطح جامعه پیشرفت محسوس و ملموسی

داشته است و یا خیر و حتی المقدور نقش دارالفنون را در پیشرفت های احتمالی حاصل شده، بررسی نماید.

اهداف پژوهش

- ۱- بررسی وضعیت بهداشت عمومی از ابتدای قاجاریه تا سال ۱۲۹۳ ه.ق. و بعد از آن تا پایان دوره قاجاریه
- ۲- بررسی بیماری های رایج مسری در بین مردم از ابتدای قاجاریه تا سال ۱۲۹۳ ه.ق. و بعد از آن تا پایان دوره قاجاریه
- ۳- بررسی خرافات برای درمان بیماری ها از ابتدای قاجاریه تا سال ۱۲۹۳ ه.ق. و بعد از آن تا پایان دوره قاجاریه
- ۴- بررسی تشکیلات مربوط به پزشکی و درمان از ابتدای قاجاریه تا سال ۱۲۹۳ ه.ق. و بعد از آن تا پایان دوره قاجاریه
- ۵- بررسی تحولات دانش پزشکی با مقایسه کتابی کهن در علم پزشکی با سه کتاب پزشکی نوشته شده در دوران متاخر قاجاریه.
- ۶- بررسی جایگزینی احتمالی پزشکی نوین بجای طب سنتی در دوره مورد بحث

سوالات پژوهش

- ۱- مبانی نظری طب سنتی و پزشکی نوین قبل و بعد از دارالفنون چیست؟
- ۲- تلقی از بیماری در طب سنتی و پزشکی نوین قبل و بعد از دارالفنون چه بوده است؟
- ۳- مفهوم و روش های درمان در طب سنتی و پزشکی نوین قبل و بعد از دارالفنون چیست؟
- ۴- مفهوم بهداشت در طب سنتی و پزشکی نوین قبل و بعد از دارالفنون چیست؟
- ۵- چگونه می توان مفاهیم، روش ها و تعاریف پزشکی و بهداشت را در طب سنتی و پزشکی نوین با هم مقایسه کرد؟

فرضیه های پژوهش

- ۱- طب سنتی مبتنی بر کل گرایی بدن و تحلیل آن بر پایه عناصر و اخلاط اربعه و پزشکی نوین بر اساس تمرکز بر محل عارضه و تلاش در فهم آسیب های جزئی و موردی استوار بوده است.

- ۲- تعریف بیماری در طب سنتی قبل از دارالفنون مبتنی بر برهم خوردن تعادل ساختاری بدن و غلبه برخی از اخلاط بوده و منشا آن می تواند امور مادی و یا متافیزیکی تلقی شود و تعریف بیماری در پزشکی نوین پس از دارالفنون بر اساس ورود عوامل بیماری زا به بدن یا برهم خوردن امنیت دفاعی اجزای مختلف بدن در مقابل عوامل مضر محیطی بوده است.
- ۳- در طب سنتی قبل از دارالفنون مفهوم درمان، بازگرداندن تعادل ساختاری و ایجاد مزاج میان اخلاط و جلوگیری از غلبه بیشتر برخی از آن ها بر دیگران و روش های آن عمدتاً مبتنی بر کاهش میزان هریک از اخلاط غالب از طریق تجویز های غذایی و دارویی عمدتاً گیاهی بسیط و یا ترکیبی متضاد با عملکرد هریک از اخلاط بوده است. در پزشکی نوین پس از دارالفنون، درمان عبارت است از مقابله عمدتاً شیمیایی یعنی از طریق داروهای ترکیبی شیمیایی، استریلیزه و ایزوله کردن و مصون نگه داشتن عضو در معرض تهدید و یا آسیب دیده از طرق مختلف و دیگری اهتمام به پیشگیری از طریق اعمال توجه های مختلف بهداشتی
- ۴- بهداشت در طب سنتی، راه و رسم پیشگیری از بیماری نبوده و عمدتاً ناظر به توصیه های اخلاقی به پاکیزگی بوده است و عمدتاً جنبه فردی داشته و به سلیقه اشخاص بستگی داشته است. پاکیزگی به عنوان یکی از راه های زیبایی و دلپذیری شخص در نزد دیگران تلقی می شده است. در پزشکی نوین بعد از تاسیس دارالفنون بهداشت یکی از عمده ترین راه های جلوگیری از شیوع بیماری ها و به ویژه کنترل بیماری های مسری تلقی شده است و جنبه عمومی داشته است. در طب سنتی قدیم هنگام شیوع بیماری در یک منطقه، افراد از آن منطقه فرار کرده و به مناطق دیگر کوچ می کرده اند. در پزشکی نوین با ایزوله سازی محیط ها، افراد باقی می مانند و با رعایت بهداشت از تسری بیماری مصون می مانند.
- ۵- به نظر می رسد با توجه به این که مبانی نظری این دو اندیشه پزشکی، کاملاً متمایز هستند به نحوی که عناصر مشترک اندکی در هریک از مفاهیم و یا روش ها وجود دارد. بنابراین یا این دو پارادایم علمی کاملاً از هم مجزا و مفاهیم آن ها قیاس ناپذیر هستند و یا موارد قیاس پذیری مفاهیم آن ها بسیار اندک است.

پیشینه پژوهش

گرچه کتاب ها و مقالات بسیاری در مورد دانش پزشکی در دوره قاجار منتشر گردیده است، اما به دلیل گستردگی مطالب بررسی شده در پایان نامه حاضر، نوشتارهای مختصری وجود دارد که با موضوع تحقیق حاضر قرابت بیشتری دارند. در اینجا به طور اجمالی چند کتاب و مقاله و همچنین یک پایان نامه بررسی می گردد:

۱- کتاب پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر نوشته آقای محمدتقی سرمدی، انتشارات سرمدی، ۱۳۷۸: در جلد دوم-بخش اول این کتاب چهار مجلدی، پس از بررسی اوضاع پزشکی و درمانی از دوران مغول تا پایان زندیه، به طور نسبتاً کامل پزشکان خارجی و ایرانی دوره قاجاریه و بیماری‌های واگیر و اوضاع بهداشتی دوره قاجار را بررسی می‌نماید. در جلد دوم-بخش دوم این کتاب به اوضاع موسسات بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی و بهزیستی، طب دارالفنون و برخی از اصلاحات انجام شده می‌پردازد. از جهت اینکه تقریباً در دو مجلد این کتاب، اطلاعات کاملی راجع به اوضاع پزشکی دوره قاجار ارائه می‌گردد می‌تواند تحقیق مفیدی تلقی گردد اما ارجاع دهی بسیار اندک در این کتاب و بعضاً اطلاعات ناقص و متناقض با اسناد دسته اول، از نقص‌های عمده این پژوهش به حساب می‌آید.

۲- کتاب تاریخ طب و طبابت در ایران قاجار (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) نوشته آقای محسن روستایی، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲: روستایی در جلد اول این کتاب بسیار جامع، به طور مفصل به اوضاع پزشکی قبل از تاسیس دارالفنون می‌پردازد و سپس به طور کامل به اوضاع داخلی دارالفنون و معلمان و شاگردان آن پرداخته و توضیحات مفصلی راجع به اصلاحات انجام شده پس از تاسیس دارالفنون ارائه می‌دهد و در قسمت دوم جلد اول، بسیاری از اسناد مربوطه در آن دوران به چاپ رسیده است. در جلد دوم این کتاب تحقیقات کاملی راجع به اطبای ایرانی آن دوران انجام شده است. از آنجا که نویسنده این کتاب، هفت سال از عمر خود را صرف تدوین این کتاب نموده و از اسناد و مدارک دسته اول بسیاری استفاده نموده است، به نظر اینجانب این کتاب، کامل‌ترین و جامع‌ترین کتابی است که درباره پزشکی دوره قاجار تدوین شده است.

۳- کتاب سلامت، بهداشت و زیبایی عصر قاجار نوشته خانم دکتر سحر برجسته و همکاران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۳: در این کتاب مفید که توسط آقای دکتر مسعود کثیری به فارسی برگردانده شده است، تاریخچه پزشکی تا دوران قاجار، اطلاعات مفید درباره دارالفنون و معلمانش، طب سنتی در ایران و برخی از نظرات سیاحان در مورد بهداشت و سلامت مردم ایران ارائه شده است.

۴- مقاله سلامت و باورهای عامیانه در دوره قاجار نوشته خانم سمیه سادات شفیعی: در این مقاله شیوه‌های سنتی درمان در دوران قاجار و به طور نسبتاً مفصل به خرافات موجود در سطح جامعه و ابعاد آن برای درمان بیماری‌ها پرداخته شده است.

۵- مقاله مروری بر تاریخچه طب در ایران با تاکید بر دوره ی قاجار نوشته آقای مهدی علیجانی: این مقاله بعد از مروری مختصر بر دانش پزشکی از آغاز تا دوره قاجار، به بررسی این علم در دوره قاجار می‌پردازد. این مقاله عصر قاجار را از نظر طب ایرانی و تغییرات آن به دو دوره تقسیم می‌کند: دوره اول از آغاز سلطنت قاجاریه تا چند سال از سلطنت ناصرالدین شاه (طب سنتی) و دوره دوم از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه (پزشکی نوین) و سپس به توضیحات مختصری از اصلاحات انجام شده در دوره دوم می‌پردازد و سپس راجع به پزشکان خارجی و داخلی عصر قاجار و همچنین بیمارستان های آن دوران توضیحاتی می‌دهد که در مجموع به نظر مقاله متوسطی می‌آید.

۶- مقاله معاینه و روش‌های طبابت در دوره قاجار، از دید سیاحان اروپایی نوشته آقای مهدی علیجانی: آقای علیجانی که درباره طب دوران قاجار، مقالات چندی دارد؛ در این مقاله پزشکی دوران قاجار را از دید سیاحان اروپایی بررسی کرده است که طبیعتاً سیاحان آن موقع در کشور ما، دید آنچنان مثبتی نسبت به پزشکی در ایران نداشتند و در واقع تا حدی دید یکطرفه و بعضاً تحقیر آمیز نسبت به طبابت ما در آن دوران از دید این سیاحان مطرح شده است.

۷- مقاله عوامل و موانع موثر بر حضور پزشکان اروپایی در جامعه ایرانی عصر قاجار نوشته آقای دکتر حمید حاجیان پور و آقای اکبر حکیمی پور: این مقاله با وجود اینکه بیشتر از نظر سیاسی به بررسی پزشکی در آن دوران می‌پردازد، اما تا حدودی اطلاعات مرتبط با تحقیق ما ارائه می‌دهد.

۸- مقاله تاریخچه تحول طب سنتی به طب نوین در دوره قاجار نوشته خانم دکتر هاید لاله و خانم راحله وافری: این مقاله بعد از پراختن مختصر به طب پیش از دوران قاجار، به مقایسه ای کوتاه درباره طب پیش و پس از تاسیس دارالفنون می‌پردازد و طب سنتی را پیش از تاسیس دارالفنون و پزشکی نوین را پس از تاسیس آن می‌داند و سپس به اصلاحات انجام شده پس از تاسیس دارالفنون اشاره دارد و سپس به مراکز پزشکی-درمانی در عهد قاجار و مریضخانه ها و دارالشفاهای دوره قاجار به طور نسبتاً مفصل می‌پردازد و همانند تحقیقات دیگر نقش دارالفنون را در این پیشرفت ها بسیار پررنگ تر از چیزی که هست نشان می‌دهد.

۹- پایان نامه ای تحت عنوان باورها و نگرش ایرانیان پیرامون تقابل طب سنتی با طب جدید در عصر ناصری و مظفری نوشته خانم زینب رنجبران: نویسنده پس از بررسی منابع دسته اول و دوم مربوط به موضوع، نگاهی به وضعیت بهداشتی-درمانی جامعه در عصر ناصری و مظفری داشته است. سپس ورود طب جدید به ایران و واکنش های اجتماعی نسبت به آن را بررسی

نموده اند. همانطور که از عنوان این پایان نامه برمی آید کل دوره سلطنت قاجار را پوشش نمی دهد.

فصل دوم: اوضاع پزشکی، بهداشتی و درمانی ایران از ابتدای قاجار تا سال ۱۲۹۳ ه.ق/ ۱۸۷۶ م.

(حدود ۲۵ سال خورشیدی پس از تاسیس دارالفنون)

شاید برای آشکار شدن اثرات بارز هر پدیده ای در جامعه حداقل ربع قرن زمان لازم باشد و قضاوت در مورد اثرات خوب یا بد آن، بعد از گذشت زمان لازم ساده تر، علمی تر و منصفانه تر صورت می پذیرد. دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه.ق. به همت امیرکبیر در ایران بنیان نهاده شد و تاکنون قضاوت های مختلفی در مورد اثر پذیری جامعه از آن شده است. در این فصل سعی بر آن شده است که مشکلات مختلف پزشکی-بهداشتی جامعه ایران از ابتدای دوره قاجاریه تا ۲۵ سال پس از تاسیس دارالفنون و همچنین برخی از اقدامات و اصلاحات انجام شده در این دوران، مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت با مقایسه آن با موارد مشابه از سال ۱۲۹۳ ه.ق. تا پایان دوره قاجاریه، مشخص گردد که تاسیس دارالفنون چه میزان به بهبود اوضاع پزشکی-بهداشتی کشور کمک نموده است. طبیعی است وجود برخی مشکلات مانند بروز بیماری های مسری به صورت گسترده، طبیعتاً به کمبود امکانات بهداشتی و درمانی و همچنین فقر فرهنگی در سطح جامعه برمی گردد و اما روش های درمانی ابتدایی و در بسیاری موارد درمان اشتباه و همچنین خرافات رایج در سطح جامعه بیشتر به فقر فرهنگی و پایین بودن سطح سواد در جامعه آن روز مرتبط می باشد. در این بخش سعی شده است بیماری های مسری در سطح جامعه، بهداشت اعم از فردی و اجتماعی و شهری، خرافات رایج و طب سنتی در دوران مذکور، حتی الامکان مورد بررسی قرار بگیرد و سپس پیشینه اعزام دانشجویان به خارج و ورود پزشکان خارجی به کشور و خدمات و اصلاحاتی که توسط این قشر در جامعه آن روز ایران صورت پذیرفت نقد گردد.

۲-۱. مروری مختصر بر بیماری های مسری

در دوران قاجار چند نوع بیماری مسری در کشور وجود داشت که در هر سال قربانیان بیشماری می گرفت. در این بخش سعی شده است حتی الامکان با توجه به منابع موجود دسته اول و دسته دوم که البته از اغراق در مورد وسعت بیماری ها و تلفات ناشی از آن عاری نیست، به بررسی بیماری های

مسری که از ابتدای دوره قاجاریه تا سال ۱۲۹۳ ه.ق. در کشور رخ داده است، پرداخته شود. اما در مورد بیماری های رایج در کشور ما، پولاک معتقد است که انواع بیماری ها در اینجا از اروپا کمتر است، اما در عوض هر بیماری تعداد بسیار بیشتری را دچار می سازد. (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۴۶۵) ظاهراً در گذشته، امراض فراگیر و بیماری های واگیر دار که در شدت فراگیری و تلفات مشابه هم بودند، در زمره وبا و طاعون پنداشته می شدند. (تاج بخش، ۱۳۷۵، ص ۳۷۷) بنابراین در آمار مربوط به تلفات ناشی از بیماری های مسری، وبا و طاعون سهم بیشتری داشته اند. در هر صورت مرگ و میر ناشی از این امراض در کاهش جمعیت ایران آن روزگار فوق العاده موثر بوده است. (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۴۶۳)

در این بخش سعی شده است حتی الامکان با بررسی مدارک موجود، بیماری های مسری گزارش شده در دوره قاجار به ترتیب زمانی ذکر گردد: اما اولین بیماری مسری گزارش شده در دوره قاجار مربوط به سال ۱۲۰۹ ه.ق. می باشد. طاعون در آن سال کشتار بزرگی در گیلان به راه انداخت. شدت فاجعه آن چنان بود که تولم، یکی از نواحی آباد غرب گیلان (قسمتی از شهرستان صومعه سرای کنونی) از سکنه خالی شد. (سرمدی، ۱۳۷۸ ج دوم، بخش اول، ص ۲۱۳) وبا (مرگ موت یا مرگا مرگی) اندمیک ایران نبوده و وارداتی از هند و روسیه بود، با این وجود بصورت منظم تلفات فراوانی را در سطح جمعیت بویژه در کودکان در دومین یا آغاز سومین سال زندگی شان ایجاد می کرد. (فلور، ۱۳۸۶، ص ۱۵) در خلال ۱۰ الی ۱۲ روز، بیماری وبا به درجه حاد و خطرناک گسترش می یافت و روزانه بین ۱۰ الی ۱۲ نفر را در شهر و تعداد زیادی را هم در روستاهای اطراف از پای در می آورد. (نبی پور، ۱۳۹۱، ص ۷۱) در وقایع اتفاقیه آمده است: "در این ولایت {دارالخلافة} هر وقت که بروز کرده است، بیشتر از پنجاه روز یا دو ماه طول نکشیده است" (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۹، ش ۱۲۲، ص ۲) وبا اولین بار در دوره قاجار در سال ۱۲۳۳ ه.ق. / ۱۸۱۸ م.، در دارالخلافة طهران بلکه در ایران شیوع تام به ظهور آورد. (رازی کنی، ۱۲۹۸ ه.ق.، ص ۴)

وبا بار در اواخر ۱۲۳۶ ه.ق. / ۱۸۲۱ م. از هندوستان و از طریق سواحل عمان به ایران آمد. گزارش شده است در خلیج فارس روزی ۱۵۰۰ نفر را می کشت و در بحرین ۴۰۰۰ نفر یعنی دو سوم جمعیت را فرا